

روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ورارود با سلطه روسیه تزاری (نیمه دوم قرن نوزدهم تا انقلاب اکتبر)

الهه کولایی^{1*}، سیده فهیمه ابراهیمی²

(تاریخ دریافت: 93/4/22، تاریخ پذیرش: 93/9/19)

چکیده

نوشتار حاضر با عنوان «روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ورارود با سلطه روسیه تزاری»، با بهره‌گیری از می‌پردازد روش «ردیابی فرآیند»، به مطالعه بر روی گروهی از اندیشمندان جامعه اسلامی ابتدای قرن بیستم، در قلمرو جغرافیای سیاسی جدیدی که روس‌ها آن را ترکستان غربی نامیدند، می‌پردازد. معارف‌پروران، ترقی‌پروران، جدیدان، ضیائیان، نام جریان‌های نوگرایی است که همگام با دیگر نقاط فرارود، در شرایط کاملاً متفاوتی پس از سقوط حکومت اسلامی خان‌نشین خوقند، تحت حاکمیت مقام‌های تزاری در تلاش برای ارایه هویت جدیدی از مسلمانی هستند. مسأله نوشتار حاضر این است که پس از سقوط حکومت اسلامی و ضمیمه‌شدن خان‌نشین خوقند و بخش‌هایی از امارت بخارا به حکومت روسیه، جدیدان مناطق اشغالی چه رویکرد و عملکردی در روند رویارویی خود با اشغالگرا نداشته‌اند و دلایل اتخاذ آن در هر دوره‌ای چه بوده است؟ پاسخ ما به پرسش بالا این است که نوگرایان

*ekolaee@ut.ac.ir

1. استاد، گروه آموزشی مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

2. دکتری تاریخ، آسیای مرکزی و قفقاز

جدیدی در مراحل آغازین رویارویی خود، با رویکرد ضدروسی و اعتقاد به تقویت توان مقابله، به نقد هم‌زمان روس‌ها و جامعه خود پرداخته و از ابزارهای جدید (نشریه‌ها، مدارس جدید، تئاتر) برای رهایی از استعمار بهره برده‌اند؛ اما به تدریج با گسترش سلطه روس‌ها و پذیرش ضعف خود، در رویکردی هم‌گرایانه با روس‌ها، خود را مسلمانان روسیه نامیدند.

واژگان کلیدی: جدیدیان، مسلمانان، مناطق اشغالی، روسیه، ورارود.

مقدمه

در سال 1867م/1284ق با فرمان تزار الکساندر دوم، فرمانداری کل ترکستان تأسیس شد. این فرمانداری نظامی متشکل از همه سرزمین‌هایی بود که از سال 1847م/1263ق از این منطقه به اشغال روسیه درآمد و ضمیمه فرمانداری کل اورنبورگ شد.¹ در آوریل 1868م/1285ق سمرقند در برابر مقاومت سپاهیان بخارایی سقوط کرد.² با فتح پامیر در سال 1895م/1313ق جغرافیای سیاسی جدید شکل گرفت. در این شکل‌بندی سراسر خان‌نشین خوقند به همراه اوراتپه، خجند، سمرقند و ساحل راست آمو تحت فرمانداری کل ترکستان، جزء امپراتوری روسیه شد. از این تاریخ (یعنی 1284ق/1867م) ترکستان غربی یا ترکستان روس³ نام گرفت. شکل‌گیری جغرافیای جدید و تصرف منطقه‌ای حدود دویلمیون کیلومترمربع، روس‌ها را مسئول اداره سرزمینی کرد که جمعیتی بالغ بر هفت میلیون مسلمان را در خود جای داده بود.⁴ ساخته‌شدن راه‌آهن راه را برای مهاجرت کارگران و کارکنان روسی باز کرد و شهرهای مناطق اشغالی به سرعت به دوبرخش جدید اروپایی و کهنه بومی تقسیم شد.⁵ تاشکند پایتخت مناطق اشغالی، صاحب مدارس، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، رصدخانه‌ها و مؤسسه‌های دیگر شد و به صورت الگویی برای تجدد روسی در ورارود درآمد.⁶ هیچ اروپایی در مناطق مسکونی بومی زندگی نمی‌کرد؛ اما برخی از بومیان در بخش‌های اروپایی زندگی می‌کردند. در نتیجه چنین سیاست‌هایی در مناطق مختلف، محله‌های گوناگون روس‌نشین به وجود آمد و خیلی زود توسعه یافت.⁷

این تحول عظیم، جامعه سنتی ورارود را در معرض تغییری ناخواسته و تجربه‌نشده قرار داد. در نتیجه آن گروه‌های مختلف اجتماعی، چون جدیدیان و قدیمی‌ها (سنت‌گرایان) در مقام

روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

رهبران جامعه، با تعیین مشی و فهم کلی خود از دنیای جدید، خطوط تمایز مشخص‌تری یافتند و هرکدام کوشیدند برای دفاع از هویت مسلمانی خود نسخه‌ای مؤثر کنند. گذشته از آنچه از ویژگی‌های اندیشه جدیدان ورارود به‌طور کل می‌دانیم، باید توجه داشت که اندیشه‌ورزی و عمل این گروه از رهبران در بخش‌هایی که به اشغال روس‌ها درآمده و حکومت اسلامی در آن ملغی شده با امارت بخارا و خیوه که خراج‌گزار شدند، تفاوت‌هایی دارد. در این جغرافیای سیاسی جدید که زندگی اجتماعی مردم و جامعه مسلمان در اثر هم‌زیستی با روس‌ها به مسیر جدیدی وارد شد، نوگرایان مناطق اشغالی، باید به بازسازی هویت خود به‌عنوان نخبگان جامعه جدید پرداخته و در برابر سیل جریان مدرنیته پاسخی شایسته می‌دادند.

در این نوشتار در پی آن هستیم تا علاوه بر تشریح درک چهره‌های شاخص جدید مناطق اشغالی از چگونگی رهایی از استعمار، روند رویارویی آن‌ها را با تحول روبه گسترش ناشی از روسی‌سازی در جامعه، بررسی کنیم. با توجه به آنچه آمد، طرح تحقیق را براساس این پرسش‌ها قرار می‌دهیم که: جدیدان در روند رویارویی خود با اشغال‌گران چه رویکرد و عملکردی داشته‌اند؟ آیا این روند تحول نیز داشت؟ دلایل آن چه بوده است؟ روش بررسی این موضوع «ردیابی فرآیند»⁸ است؛ بنابراین پس از بیان ویژگی‌های جدیدان در مناطق اشغالی با پی‌گیری فرآیند رویارویی آن‌ها و بازنمایی تحولات صورت گرفته در این رویارویی، به دلایل این تغییر خواهیم رسید. نوگرایان جدیدی در مراحل آغازین رویارویی خود با رویکرد ضدروسی و اعتقاد به تقویت توان مقابله، به نقد هم‌زمان روس‌ها و جامعه خود پرداخته و از ابزارهای جدید (نشریه‌ها، مدارس جدید، تئاتر) برای رهایی از استعمار بهره بردند؛ اما به تدریج با گسترش سلطه روس‌ها و ضعف آنان در رویکردی هم‌گرایانه با روس‌ها خود را مسلمانان روسیه نامیدند.

نوگرایی (جدیدی) در مناطق اشغالی ورارود

جنبش جدیدی در مناطق اشغالی ورارود گرچه ریشه‌های مشترکی با دیگر بخش‌های ورارود داشت⁹ اما انحلال خان‌نشین خوقند و اشغال بخش‌هایی از این سرزمین سبب شده بود تا

مسلمانان این مناطق در نتیجه همزیستی با روس‌ها بسیار عمیق‌تر از همتایان خود در دو خان‌نشین دیگر، به تفاوت دو دنیای جدید و قدیم پی‌برده و در زیست‌بوم معرفتی متفاوت، در برابر این پرسش به همان سؤال تکراری درمورد علت این تفاوت رسیدند.

این حرکت در نقطه‌ای شکل گرفت که سیاست‌های فرهنگی روسیه و فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از اشغال منطقه در جریان بود، این موضوع سبب شد الگوهای قدیمی‌تر تولید فرهنگ - که علمای سنتی (قدیمی) رهبران آن برآورد می‌شدند - تحت‌تأثیر قرار گرفته و صداهای جدید ایجاد شود؛ صداهایی که برای رهایی از استعمار به گفتمان جدید متوسل شدند و به وسیله آن به تقویت فرهنگ پرداختند¹⁰. جدیدان مناطق اشغالی درحالی‌که به برتری قدرت روسیه و ناکارآمدی حرکت‌های جهادی اعتقاد داشتند، با نقد عملکرد تقدیرگرایانه و سلبی علمای قدیمی، با تکیه بر دو مؤلفه مذهب و آموزش با نظم اجتماعی که در پی اشغال برقرار شد، مخالفت ورزیدند¹¹. این گروه معتقد بودند در برابر دشمنی که با ابزارهای جدید، هستی معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند باید با ابزار جدید به مخالفت پرداخت. در این شکل از پاسخ، آن‌ها باید توان آن را می‌یافتند که شکل جدیدی مجهز به سنت دینی و فرهنگی خود دهند¹². اقدام‌های آن‌ها در ابتدا با اینکه از ماهیت ضدروسی برخوردار و واکنش به عملکرد مقام‌های تزاری در مناطق اشغالی بود، اما ویژگی پیوسته آن نقد سرسختانه جامعه اسلامی بود. در قطعه نخستین یکی از تئاترهایی که در مناطق اشغالی اجرا شد طرح اصلاحی اندیشمندان جدیدان سامان نشان‌داده می‌شود:

«کنون ما ترکستانی‌ها کاملاً آشنا با دانش مذهبی و جهانی نیستیم. مکتب کهنه ما، مدارس ما در نابودی به سر می‌برند و جایگاه جغدان شده است. مدارس ما به دور از تعلیم علوم جهانی هستند، آن‌ها حتی تفسیر و حدیث که اساس همه دانش‌های دینی هستند را آموزش نمی‌دهند. ما تربیت معلمی نداریم که معلمان‌مان را آموزش دهد... هیچ مدارس سازمان‌دهی شده‌ای برای آموزش ابتدایی فرزندان‌مان وجود ندارد... اگر این شرایط... ادامه یابد به‌زودی هستی موجودمان نیز نیست می‌شود»¹³.

محمود خواجه بهبودی و رهبری جدیدیان در مناطق اشغالی

یکی از چهره‌های برجسته جدیدی در مناطق اشغالی «مفتی محمود خواجه بهبودی» است که به‌عنوان پدر جدیدیان شناخته شده است.¹⁴ او از علمای این سرزمین بود، پدرش قاضی باشقیر تپه در دامنه‌های سمرقند بود و بهبودی علوم آن زمان را نزد پدر و عموی خود آموخت. او ابتدا میرزای عمویش شد که قاضی بود. سپس خود به کسوت قضاوت درآمد، بنابراین ثروت لازم برای سفرهایش را داشت. در سال 1913م/1331ق هم در بخش بومی و هم روسی سمرقند خانه داشت و خود در بخش روسی زندگی می‌کرد! او مفتی سمرقند بود. سرانجام برجسته‌ترین چهره حرکت جدید در آغاز قرن بیستم در مناطق اشغالی شد. تفکر او ترکیبی از آموزش‌های سنت اسلامی و اشکال فرهنگی جدید بود. سفر بهبودی به استانبول، قاهره و مکه در سال 1899م/1317ق نقطه عطفی در حیات او و جدیدیان مناطق اشغالی بود. او تحولات و توسعه‌های آموزشی در امپراتوری عثمانی و مصر را مشاهده و چهره‌های پیشرو اصلاح فرهنگی را ملاقات کرد و نسخه‌ای از روزنامه ترجمان گاسپیرالی را به‌دست آورد.¹⁵ اولین فعالیت‌های عمومی او مقاله‌هایش در روزنامه «ترکستان ولایتی گزیده» در سال 1902م/1320ق بود و ثابت کرد که چهره شاخص نسل خود است. وی به حمایت از یک مدرسه اصول جدید در سمرقند پرداخت و تعدادی کتاب برای این مدرسه تألیف کرد. همچنین یک روزنامه (سمرقند) و مجله (آینه) برای خود نیز داشت. در سال 1913م/1331ق فروشگاه کتابی افتتاح کرد که از کتاب‌هایی از سراسر جهان اسلام پر بود. یکی از راه‌های بیدارساختن مردم که از سوی روشنفکران به کار گرفته می‌شد، نمایشنامه‌نویسی و تئاتر بود که مردم را به وسیله آن با مفهوم آزادی آشنا می‌ساختند. یکی از نوشته‌های پرآوازه در این زمان، پدرکش اثر بهبودی بود که در شهرهای ورارود روی صحنه آمد.¹⁶ درون‌مایه و پیام نمایشنامه این بود که آزادی مردم مسلمان به تشکیل یک قشر خردمند و روشنگر ملی بستگی دارد که از طبقه متوسط سرچشمه گرفته‌اند. این قشر آگاه و آموزش‌یافته مسلمان خواهند توانست در دستگاه‌های اداری که از سوی روس‌ها برقرار شده، رخنه کنند و رفته‌رفته روس‌ها را از مناطق اشغالی بیرون برانند.¹⁷

راه‌های رهایی از استعمار در آرای پیروان بهبودی

الف) مبارزه با ناآگاهی و تعصب

نفوذ بهبودی به‌عنوان شخصیتی دینی و فرهنگی سبب شد که اقلیتی از اهالی مناطق اشغالی در اطراف کتابخانه و قرائت‌خانه او جمع شوند. این گروه که حامیان جریان نوگرایی در مناطق اشغالی بودند به قرآن تکیه کرده و می‌گفتند همه چیزهای خوب و مفید را باید حتی از کافران نیز گرفت. آن‌ها علت آنکه مسلمانان در سراسر دنیا زیردست کافران شده بودند را در اساس نادانی و ناآگاهی آنان می‌دانستند. آن‌ها زمان خلفا را دلیل آورده و می‌گفتند که در آن‌زمان، مسلمانان از جهت علم و معرفت از دیگران پیش‌تر و بنابراین قوی‌تر بودند؛ اما بعدها همه‌چیز را به چارچوبه تنگ شریعت درآورده در علم و معرفت و رشد خود متوقف شدند؛ این درحالی بود که دیگران به‌دلیل رشد علمی خود پیش رفتند. از نظر آن‌ها نتیجه طبیعی این شرایط افتادن در دام استعمار بود؛ به‌همین دلیل سراسر جهان اسلام گرفتار شده است. به عقیده آن‌ها استقلال افغانستان هم تصادفی است، البته پادشاه حاضر افغان نفع علوم حاضره را فهمیده و چیزهای نوی بسیاری را در مملکت جاری کرد. اکنون مسلمانان برای برابری با دیگران نیاز به علم‌آموزی دارند و هرگاه که با رشد خود با اروپائیان برابر شدند، آن‌وقت از حالت زیردستی بیرون می‌آیند.¹⁸

این اندیشه‌ها موجب می‌شد که جدیدیان به این درک برسند که باید حقوق خود را بخواهند. بهبودی که در این زمان هنوز مسلک میانه‌رو در سیاست داشت، می‌گفت: «ما مسلمانان دومین ملت وسیع امپراتوری روسیه را تشکیل می‌دهیم»¹⁹؛ اما متأسفانه در امور حکومت... کوچک‌ترین ملت هستیم... به‌منظور بهره‌بردن از حکومت و واردشدن در آن باید فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستیم. باید خودمان فرزندان‌مان را بفرستیم تا قاضی، وکیل، مهندس، معلم و خادم مردم (یعنی نماینده مردم در دومای دولتی) شوند؛ افرادی که علم تجارت بخواهند و به ما در تأسیسات تجاری و بانک‌ها کمک کنند... تا به اسلام کمک کنیم».²⁰ او در بسیاری از مقالات خود سیاست استعماری روسیه را افشا و از قوانینی که ظاهراً از منافع ملی حمایت ولی دراصل وضع آن‌ها را دشوارتر می‌کرد، انتقاد می‌کرد. جدیدی‌ها می‌دانستند که استقلال را نمی‌توان بدون مبارزه به‌دست آورد. بهبودی در روزنامه حریت می‌نویسد: ما نیاز

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

به اصلاح داریم، آن‌ها حق را نمی‌دهند، بلکه می‌گیرند. ما مسلمانان نمی‌خواهیم که کسی به ما لطمه بزند و بر دین ما فشار بیاورد و ما نیز در فکر لطمه‌زدن بر دیگران نیستیم.²¹

بسیاری از جدیدیان اهل قلم مناطق اشغالی همچون «تاش خواجه اثری» با آثار مشهور و منظوم خود به مبارزه می‌پرداختند. اثری در آثار منظوم خود عقب‌ماندگی، بی‌سواد و نادانی مردمش نسبت به اروپا را بیان می‌کند. هدف او ترویج اندیشه ترقی‌خواهی و پذیرش مدنیت جدید در بین مردم بود؛²² بنابراین در این راه، علاوه بر توجه به یادگیری زبان روسی، به انتقاد از روحانیون مسلمانی می‌پردازد که سدّ راه این نزدیک‌سازی کشور و مردم به مدنیت روس هستند. او زمان زندگی و تحصیل در خوقند با روس‌ها رفت‌وآمد داشت. لوکاشین، فرماندار نظامی ترکستان، که از کوان علمی او باخبر بود، او را به منصب قضاوت مکلف کرد؛ اما او نپذیرفت. باوجود آنکه بستن سلّه برای ملاها واجب بود، اما او نمی‌بست. او ملاها را نمایندگان طمعکار و حيله‌گری می‌دانست. همه افرادی که او را می‌شناختند، می‌دانستند که برای نماز جماعت به مسجد نمی‌رود. وی از روسیه روزنامه‌های روسی می‌گرفت؛ همچنین روزنامه‌های تاشکند، سمرقند، اورنبورگ و باکو را می‌خواند. و این زبان‌ها را به‌خوبی می‌دانست. مبارزه با روحانیون مرتجع و تندرو که از ساده‌لوحی توده عوام، جیبی برای خود می‌ساختند، در آثار او جایگاهی ویژه داشت. علمایی که به انتقاد سخت او گرفتار شده بودند، او را کافر و دیوانه می‌نامیدند. وی رفت‌وآمد با آنان را عار می‌دانست²³ و می‌گفت آن‌ها با استفاده از راه‌های ساختگی، خلق را از مدنیت دور می‌کنند و فاش کردن فساد آن‌ها را وظیفه هر معارف‌پرور می‌دانست.²⁴ او می‌نوشت در فضای دینی پرتعصب که باز همین علما مسئول آن هستند، اثری و همه نوگرایان پشوانه مردمی ندارند:

«سوختم از دست تنهایی کسی یادم نکرد»²⁵

عموم اهل قلم جدیدی همچون اثری، ریشه عقب‌ماندگی و ضعف در برابر بیگانگان را پیوسته در آثار قلمی خود به مردم گوشزد می‌کردند. آن‌ها در بررسی این ریشه‌ها، دوگروه از علما را مانع رشد دانسته‌اند. در مجله آینه می‌گویند:

«نزدیک بود که مسلمین بالکلی از خواب غفلت بیدار و به هوش آیند. ناگهان دو شراب مسکر به جان‌شان ریختند و دو مرض مهلک به جان‌شان افکندند؛ یکی ظهور تزهّد بود که جمعی... خودشان را قطب راشد... نامیده... خدمت خودشان را اهم وجوبات و افضل طاعات مقرر کردند. دیگر آنکه برخی از علما به بغض و عناد درمقابل کتب جدید و مدارس تأسیس

شده... حيله ورزیدند و متفق‌القول در مساجد جوشیدند که شریعت از دست رفت، دین ضایع گشت و کتب ضاله در میان مسلمین شیوع یافت».²⁶

رفتار اثری نسبت به حکومت روس و مأموران محلی نیز بسیار سرد بود، او معتقد بود پادشاه عادل باید این وضع را سامان بخشد، نه آنکه اساس حکومت برهم زده شود و به روسیه ضمیمه شود.²⁷ او هم مانند دیگر معارف‌پروران باور زیادی به نیروی معارف و به قوه سخن داشت و معتقد بود که معارف می‌تواند پادشاهان خودسر را تربیت کند و بدون تغییر ساخت اجتماعی مملکت، جراحت آن را شفا دهد.²⁸

ب) فهم شرایط موجود و انتقاد از استعمارگران

مسائل سیاسی نزد جدیدی‌ها که نسبت به استیلای وراورد ازطرف روسیه نظر منفی داشتند از مسائل مهم به‌شمار می‌رفت، آن‌ها بیشتر به تحلیل مفصل جوانب منفی این واقعیت می‌پرداختند و به‌خوبی درک می‌کردند که سرزمین‌شان درحقیقت یک مستعمره است و نظام اداری دستگاه روسیه پاسخ‌گوی نیازهای ملی نیست. روس‌ها در فاصله اندکی پس از اشغال، مقام‌های مسلمان را از بیشتر مناصب اداری محروم کردند؛ بنابراین، اندکی پس از تثبیت، بیشتر مقام‌های اداری را کارگزاران روسی تشکیل می‌دادند. جدیدیان در حوزه اداره سرزمین اشغالی به انتقاد از قوانین فتوادی پرداخته و غیرقانونی بودن حاکمیت استعمارگران را مطرح کردند. از این گذشته، در منابع به موارد دیگری نیز در اعتراض جدیدی‌ها به‌عنوان خواست‌های قانونی اشاره شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

قطع مهاجرت دهقانان روس به مناطق اشغالی، اصلاح اصول اداری استعماری ازجمله تغییر برخی بندهای «نظامنامه اداره کشور ترکستان» که در آن مأموران حکومت تزاری نسبت به مسلمانان محلی بی‌رحمی می‌کردند، مسئله برابری حقوق رعایای مناطق اشغالی با رعایای روسی، محدودکردن دخالت روس‌ها در اداره امور مسلمانان که گاه باعث پایمال کردن عرف و عادات مردم ازطرف آن‌ها می‌شد.²⁹ جدیدی‌ها نظام استعماری انتخابات دستگاه‌های اداری محلی در مناطق اشغالی را محکوم و علیه سیاست مالیاتی حکومت تزاری اعتراض می‌کردند. آن‌ها تلاش می‌کردند تا تبعیض روسی - بومی را از بین ببرند.³⁰ از نظر آن‌ها راه حل همگن‌سازی و

روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

روسی سازی نبود، بلکه جدید و نوساختن جامعه مسلمان بود. به بیان دیگر، آن‌ها معتقد بودند که نخبگان جدید باید جدید اما مسلمان و بومی باشند.³¹

این خواسته‌ها گام مهمی در راه شکل‌گیری نظریه استقلال ملی بود. ازسوی دیگر، آن‌ها برای آموزش و تربیت مردم این سرزمین و متحدکردن تلاش‌های آن‌ها در مبارزه علیه بحران موجود در جامعه، از اسلام حمایت می‌کردند. جدیدان راه‌حل را در آن می‌دیدند که علم و تکنولوژی مرفقی را با توصیه‌های اولیه دین اسلام انطباق دهند.³²

علاوه بر این جدیدان مناطق اشغالی باتوجهی ویژه جریان‌های سیاسی روسیه را تعقیب می‌کردند. آن‌ها برنامه‌های احزاب سیاسی در روسیه را مطالعه و سعی می‌کردند ازطریق اقدام‌های صلح‌جویانه و گردآوری عریضه‌های اجتماعی و انجام بحث‌های علنی در مجلس و با دیگر ابزارها، از دولت تزاری برای خود امتیازهای سیاسی کسب کنند. آنان می‌خواستند در مرحله اول، دست‌کم شرایط را برای توسعه ملی مناطق اشغالی فراهم کنند؛ ولی برای مردم این سامان داشتن نماینده بومی در دوما منع شد.³³ هم‌زمان با آن اظهارنظرهایی درمورد زیان ایده‌های پان‌ترکیسم و پان‌اسلامیسم به‌عنوان یک پدیده تهدیدکننده مبانی دولت روسیه، گسترش یافت. جدیدی‌ها در همان دوران به این نتیجه رسیدند که باید متحد شوند. بهبودی درنظر داشت حزب واحد اسلامی تأسیس کند و در اتحادیه مسلمانان روسیه عضو شود. سال‌های بین دو انقلاب برای نهضت جدیدیه سال‌های رشد کمی، سازمانی و سیاسی بود. جنبش جدیدی به دنبال تعقیب سیاسی غیرعلنی شد؛ برای نمونه بنابه گزارش اداره پلیس تاشکند، گروهی که سرپرستی آن‌ها بر عهده معلمی به نام /حمدجان بود، کاملاً متشکل از روشنفکران ملی و جوانان دانش‌آموز بود. جدیدی‌ها در اندیجان سازمان غیرعلنی به نام ترقی‌پرور تأسیس کردند. مأموران تزاری در سال‌های 1909-1916 م/34-1327 ق چندین بار گزارش کرده بودند که بسیاری از مدرسان و آموزگاران مدارس در گردهمایی خود اصلاح اداری کشور را تبلیغ می‌کنند.³⁴

ج) ایجاد مدارس جدید در برابر مدارس روسی

علمای ترقی‌پرور مناطق اشغالی در ایجاد مکاتب و مدارس اصول نو انگیزه‌ای به مراتب بیشتر از بخارییان داشتند؛ زیرا این اقدام آن‌ها واکنش مستقیم به تشکیل مکتب‌های روسی در این

سرزمین بود. به موازات گسترش این مدارس، تشکیل مدارس جدید سرعت می‌یافت؛ زیرا این واقعیت، روشنفکران پیش‌قدم کشور را وامی‌داشت که هرچه زودتر برای مردم مسلمان خود چاره‌ای بیندیشند. پهلن، نماینده اعزامی امپراتور به مناطق اشغالی، معتقد بود در زمان حضور روس‌ها، مدارس سمرقند ابزار مؤثری در بیداری مردم نسبت به اتحاد مسلمانان بودند. آن‌ها علاوه بر آنکه در راه زندگی و دیدگاه کلی مسلمانان نقش بسیاری داشتند، تلاش می‌کردند تا گسست ارتباط میان خلافت عثمانی و ورارود از بین برود.³⁵

مدارس جدید قصد داشتند به وسیله معرفی روح آموزش غربی و انتقاد از آن، نفوذ غرب در جامعه اسلامی را کاهش دهند. از نظر آن‌ها همین روح بود که در نهایت، مفهوم اصیل و قدیمی اسلامیت را از بین می‌برد. پهلن اعتقاد داشت این روح در خیوه و بخارا، که هنوز در حکومت حاکمان مستقل مسلمان است، سرزندگی اولیه خود را حفظ کرده است. از نظر او این حیات قدرت سیاسی اسلامی بود که طریق قدیمی حیات اسلامی را حفظ کرده بود.³⁶

براساس برخی منابع، اولین مدرسه جدیدی در سال 1898م/1316ق در شهر خوقند ازسوی صلاح‌الدین داملا تأسیس شد و در سال 1899م/1317ق منور قاری در تاشکند و شمس‌الدین داملا در اندیجان از او پیروی کردند؛³⁷ اما نخستین مکتب اصول نو فارسی تاجیکی به معارف پرور نامی اهل سمرقند، عبدالقادر شکوری، تعلق داشت³⁸ که با یاری او در سال 1901م/1319ق در سمرقند گشوده شد.³⁹ وی در طول فعالیتش یازده بار به دلیل کنترل روس‌ها مکان مدرسه را تغییر داد.⁴⁰

فردی که بیشترین خدمت را در حوزه آموزش اصول جدید در مناطق اشغالی کرد، منور قاری (1851-1933م/1267-1351ق) است. او یک طلبه علوم دینی از تاشکند بود و سپس به کسوت معلمی درآمد. وی در سال 1901م/1319ق علاوه بر افتتاح مدرسه، جمعیتی را برای اعزام طلاب به استانبول و آذربایجان سازمان‌دهی کرد (البته حکومت زود جلوی آن را گرفت). در سال 1902م/1320ق کتابی روسی نوشت که به عنوان کتابی استاندارد در مدارس جدید استفاده می‌شد. او به همراه دیگر نوگرایان علیه نفوذ چندین نفر از چهره‌های محلی که استروموف، ویراستار روزنامه «ترکستان»، آن‌ها را به عنوان همکار جذب کرده بود، فعالیت می‌کرد. آنان به تحریک روسیه تلاش می‌کردند تا در میان توده‌ها احساس هم‌دلی و رغبت به روسیه را ایجاد کنند.⁴¹ اسماعیل عبیدی در نخستین شماره روزنامه ترقی در سال

روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

1906م/1324ق هویت استروموف را به عنوان یک مسیونر فاش کرده و از ملا عالم که با خدمت به او شرف خود را با پول معامله کرده است، انتقاد کرد.⁴²

منور قاری یک جدیدی کاملاً محتاط بود. به نظر او انجام محرمات، دلیل اشغال سرزمین‌ها و خوارشدن مسلمانان است. از نظر او ریشه همه این گناهان از جهل است و دانش، تنها تضمین حقیقی اخلاقیات و پرهیزگاری است. او می‌گوید مدارس مکان‌های مقدسی هستند که به سود ما ساخته شده‌اند. کتاب‌ها فرزندان ما را آگاه می‌کنند. مساجد نیز مکان‌های مقدسی هستند که برای عبادت مسلمانان ساخته شده‌اند. اگر مدرسه‌ای در جهان نباشد که به فرزندان ما دین را بیاموزد چه کسی وارد مسجد می‌شود و در آنجا عبادت می‌کند؟⁴³

جدیدی‌ها با وجود سرکوب حکومت و مخالفت روحانیون مرتجع به تلاش خود ادامه دادند. تا سال 1908م/1326ق، نودودو مکتب جدید در استان سیردریا، فرغانه و سمرقند، و سی و پنج مکتب در شهرهای تاشکند، خوقند و اندیجان افتتاح شد که این تعداد در برابر سرعت روبه‌رشد مدارس روسی - بومی، دستاورد قابل توجهی بود.⁴⁴

د) نشریات ابزاری برای مبارزه

یکی از امیدهای جدیدان، استفاده از صنعت نشر برای گسترش عقایدشان بود؛ اما برپایی یک چاپخانه علاوه بر لزوم اخذ اجازه نامه رسمی، نیازمند سرمایه گذاری سنگین بود. نظام اداری تزاری نیز مایل نبود که این رسانه در اختیار رعایای جدید، توسعه یابد. در دوره تزاری تنها پنج مسلمان، چاپخانه خصوصی داشتند. در سال 1908م/1326ق اسحاق خان توره جنیدالله خواجه‌اوغلی اجازه تأسیس چاپخانه‌ای را در روستای زادگاه خود «توره قورغان» در دره فرغانه به دست آورد. او که در هند با صنعت چاپ آشنا شده بود، پانزده سال در آن منطقه قاضی بود. وی در بازگشت از هند به عنوان اصلاح‌گری فعال دست به نوشتن گسترده در نشریه رسمی «ترکستان» زد و خوانندگان خود را به بیداری از خواب غفلت و دستیابی به دانش جدید فراخواند. جدیدان به دلیل آنکه صنعت چاپ، بهتر به آن‌ها اجازه می‌داد تا پیام خود را به گوش مردم برسانند به آن روی آوردند؛ اما تأثیر این صنعت به دست نظام استعماری حاکم به شدت کاهش یافت.⁴⁵

یکی از نکاتی که هم‌نوا با بخاراییان در مجله‌ها و روزنامه‌ها مورد توجه روشنفکران قرار می‌گرفت، توجه به گذشته باشکوه مسلمانان بود. گذشته‌ای که جدیدیان در نظر داشتند، عصر پیامبر و خلفای راشدین و حکومت‌های با شکوه اسلامی بود. جدیدیان در این بازیابی، بیشتر قصد ریشه‌یابی علل عقب افتادگی جامعه اسلامی و مغلوبیت در برابر غیر را داشته و در ضمن تلاش می‌کردند تا راه‌حلی پیش‌رو نهند. این راه‌ها اغلب به لزوم کسب دانش جدید تأکید داشت. در اواخر سال 1323/م 1905 ق اولین روزنامه جدید در تاشکند منتشر شد. در سال 1324/م 1906 ق مجله «خورشید» که ویراستاری آن با منور قاری بود، منتشر اما خیلی زود بسته شد. در همین سال پرآوازه‌ترین روزنامه مناطق اشغالی به نام «ترقی» منتشر شد. این روزنامه از نظام اداری تزاری سخت انتقاد می‌کرد و خواستار اصلاح بود. از همه مهم‌تر سخن از آرمان «وحدت ملی ترکستان» به میان می‌آورد.⁴⁶

در سال 1325/م 1907 ق بهبودی و دیگر جدیدیان ده شماره اول «شهرت» را منتشر کردند. در سال 1908 «آسیا» و «تجار» خیلی کوتاه منتشر شدند. در 1913-15/م 1331-33 ق مجله ادبی «آینه» و در 1914/م 1332 ق روزنامه «سمرقند» در چهل و پنج شماره منتشر شد که هر دو توسط بهبودی و ویراستاری و در سمرقند منتشر می‌شد. در سال‌های 1914-15/م 1332-33 ق «صدای فرغانه» در تاشکند و در سال‌های 1916/م 1334 ق «یورت» در خوقند منتشر شد. عمر هریک از این نشریات به دلیل مخالفت علمای محافظه‌کار، سانسور حکومت روسیه و کمبود بودجه کوتاه بود؛ اما همه در گسترش عقاید جدید نقش داشتند.⁴⁷

تغییر استراتژی گروهی از جدیدیان از مبارزه به همگرایی

در مطالعه آرای جدیدیان مانند بسیاری از جریان‌های سیاسی، باید نگاه روندی نیز داشته باشیم؛ به این معنی که برخی از آنان در سال‌های حیات خود در یک روند تحول اندیشه و عمل قرار گرفتند. در روند حیات جدیدیان در مناطق اشغالی گروهی از جدیدیان به تدریج به مرحله‌ای رسیدند که به دلیل تحولات، هدف سیاسی بنیادین‌شان در نهایت، شرکت در روند کلی و جریان اصلی حکومت امپراتوری روسیه شد.⁴⁸ آن‌ها می‌خواستند در قلمرو امپراتوری تثبیت شوند؛ بنابراین باید جدایی میان روس‌ها و بومیان کم می‌شد. این مرحله به‌روشنی یک تغییر استراتژی

روند رویارویی جدیدان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

بود؛ زیرا آن‌ها در ابتدا بر این جدایی تأکید داشتند و می‌گفتند نخبگان جدیدی باید مسلمان ترکستانی جدید باشند. آن‌ها به شدت، منتقد گروهی بودند که از روس‌ها تقلید می‌کردند. عیدالله خواجه‌اف⁴⁹ یک‌بار نوشت: «پوشیدن لباس روسی برای آموزش و یا خدمات دولتی بی‌ضرر و حتی لازم است؛ اما این فرق می‌کند با زمانی که مردم لباس روسی می‌پوشند تا شبیه روس‌ها به نظر آیند». البته مخالفان جدیدی تفاوت چندانی میان این دو موضع نمی‌دیدند؛ بنابراین، برخی جدیدی‌ها را مقلدان روسی می‌دانستند. جدیدی‌ها در آموزش زبان روسی با روس‌ها موافق بودند؛ اما مخالف آن بودند که افراد در حرف‌هایشان از کلمات روسی استفاده کنند. یکی از جدیدی‌ها می‌گوید یادگیری زبان روسی مثل نان و غذا برای زندگی و خوشبختی ما ضروری است؛ اما لازم است که آن را در جایش نگاه داریم و به کار ببریم. لغات آمیخته روح زبان را نابود می‌کند. از بین رفتن زبان ملی از بین رفتن روح ملت است. نخبگان باید بتوانند پیش از آنکه به نبرد در دنیای وسیع‌تری بپیوندند، بر دین و زبان خود مسلط باشند.⁵⁰

این تغییر استراتژی در نظر برخی تغییر از اصلاح‌طلبی اسلامی به نوگرایی اسلامی است. جریان اخیر از رشته‌های فلسفی - فرهنگی و همچنین مطالعات مذهبی و اسلامی در اروپا ریشه می‌گرفت و یک‌پارچگی در جریان جهانی تمدن (در این سرزمین، تمدن روسی) را دربرداشت. نوگرایان اسلامی در نظر داشتند قابلیت یک‌پارچه‌سازی خویش را به نمایش بگذارند و در همان حال به این تمدن مفهوم جدیدی بخشند تا تداوم حیات خود را در دنیای جدید ممکن سازند؛ بدین ترتیب نوعی سبک زندگی اسلام روسی با مدل فرهنگی جهانی و با ابعاد جهانی پدید آمد.⁵¹

در دومای سوم مردم انتظار داشتند جدیدی‌ها از طریق نمایندگان، حل یک‌سری مسائل مهم در ارتباط با مناطق اشغالی را از دوما بخواهند؛ اما درحقیقت آن‌ها فقط مسائل مربوط به اصلاح را پیش بردند و به همین قانع شدند. روزنامه خورشید نوشته بود: از آنجاکه امپراتور ما آزادی دین و دیگر آزادی‌های هم‌وطنان را اعلام کرده است، بنابراین کارهای دینی و محلی مسلمانان باید در دست خود آن‌ها باشد. در تاشکند باید مؤسسه‌ای تشکیل شود که بر کارهای دینی مسلمانان نظارت کند. مسلمانان در حقوق با روس‌ها برابر شده‌اند؛ اما این حقوق را طلب نمی‌کنند، گویا که زبان ندارند.⁵² رهبران تشکیلات مسلمانان که /تفاه نام داشت و

جدیدی‌های مناطق اشغالی (که شاگرد آن‌ها بودند) از این زمان، قرار گرفتن در جریان تمدنی روسیه را در نظر داشتند.⁵³

محمود خواجه بهبودی در سال 1911م/1329ق مقاله‌ای به نام «مناظره حقیقده» (درباره مناظره) نگاشت که در آن درمورد کتاب «مناظره» عبدالرئوف فطرت بحث کرد و در روزنامه «ترکستان ولایتی گزیتی» منتشر شد. از نظر او در موضوع‌های این کتاب به یک نکته مهم توجه نشده بود و آن آموختن زبان روسی و بهره‌بردن از فرهنگ روسی است. وی نوشت فطرت بیشتر به تربیت معنوی توجه کرده و نخواست مردم بخارا را از تلقین آموزش روسی به هراس اندازد. او از مؤلف کتاب درخواست کرد در ترجمه روسی آن و در تحریر دوم، این موضوع را در نظر گیرد. دلیل بهبودی آن است که روسیه دولتی بزرگ است و حکومت بخارا برای رواج تجارت به حمایت آن احتیاج دارد. همه جنبه‌های حیات اجتماعی، بانک و مخابرات بخارا توسط روس‌ها انجام می‌شد. افزون بر این، بخارا و روسیه کشورهای همسایه بودند. مسلمانان ترکیه و دیگر مسلمانان مقیم روسیه در پی یادگیری زبان روسی بودند. از سراسر جهان هم به روسیه دانشجوی می‌فرستادند؛ ولی از بخارا نه. چرا؟ او نوشت این نشان «غفلت و از وضع زمان بی‌خبر بودن بخارایی‌هاست».⁵⁴ بهبودی نوشته بود: «خدا را شکر ما در زمان حاضر به حکومت روسیه یارمندی می‌دهیم و در آینده نیز همین کار را خواهیم کرد. ما شریک و همکار آن‌ها هستیم. پادشاه به ما امکان داده که احتیاجات خود را بیان کنیم. برای این کار ما از وی بسیار و بسیار منت داریم». وی در سال‌های بعد نیز مقاله‌هایی با همین محتوا نوشت: «شریعت ما هیچ‌وقت در محکمه‌های دولتی کارکردن و با این راه به دین و علم فایده‌رسانیدن را با ما منع نکرده است. قانون‌های روسیه نیز به این راه می‌دهند این قانون‌ها پس از این همچون مسیحی‌ها برای ما نیز سبک‌تر خواهد شد. برای کارکردن در محکمه‌های دولتی مسیحی‌بودن شرط نیست، بلکه از علم خبرداربودن لازم است».⁵⁵

آن‌ها برای توجیه اقدام روس‌ها تلاش می‌کردند. روزنامه ترقی نوشته بود: «به همه معلوم است که حکومت روس آنچه را که به شریعت مخالف است، هرگز نمی‌کند». صفحات نشریات جدیدیان مملو از این بود که گویا تربیت نسل جدید فقط وابسته به فعالیت تزار است: «برای ترکستانی‌ها تنها در آرامی و آسودگی بودن روسیه اهمیت دارد تا اینکه حکومت روسیه پرقوت و بزرگ باشد».⁵⁶

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

نزدیک‌ترین همکار بهبودی، خواجه معین، در پاسخ فردی که به مواضع آن‌ها ایراد گرفته بود، نوشته بود: فرستادن طلبه‌ها به داخل مکتب‌های روسیه لازم است؛ زیرا آن‌ها در آن مکتب‌ها زبان روسی را می‌آموزند و حکومت تزاری در صادق‌بودن آن‌ها نسبت به وطن تردید نخواهد کرد.⁵⁷

بهبودی با انتقاد به کسانی که امید رهایی از استعمار را داشتند می‌گوید: درنظر ما گفتن این مطلب که روس‌ها آمده‌اند و می‌روند درست نیست. علت این‌نوع فکرکردن این است که ما جغرافیا و تاریخ را نمی‌دانیم و با حیات امروز آشنایی نداریم. برای رسیدن به سعادت، دانستن زبان روسی برای ما لازم است. ما باید در مکتب‌های دولتی درس بخوانیم و به دین و وطن خود خدمت کنیم؛ مثلاً ما اکنون دربارهٔ احتیاجات خودمان در دومای دولتی می‌توانیم سخن بگوییم؛ اما در بین ما کسانی نیستند که در آنجا نشسته از منافع ما حمایت کنند. اینک ده‌سال است که من می‌گویم دیگر لازم نیست از روس‌ها بترسیم، بلکه باید با آن‌ها دست‌به‌دست داده، کار کنیم. خود را شهروندان روسیه دانسته در اداره‌کردن مملکت فعالانه مشارکت داشته باشیم و بازهم می‌گویم.⁵⁸

اعلام جنگ جهانی سبب تظاهر بیشتر این رویکرد شد. هنگامی که روس‌ها در زمان جنگ، فرمان سربازگیری را اعلام کردند، جدیدی‌ها آن را یک فرصت برای حضور مسلمانان و رارود در جریان اصلی حیات روسیه شمردند. در همین زمان، برخی از جدیدی‌های مناطق اشغالی موضوع وفاداری به تزار را مطرح کردند و از مسلمانان خواستند که در جنگ شرکت کنند. بهبودی نوشته بود: مملکت روسیه، وطن مسلمانان روسیه است. دشمن به وطن ما اعلام جنگ کرده و ما از آنجا که وطن خود را دوست داریم، لازم است به آن یاری دهیم. علاوه‌بر این ما باید از هرگونه فکر و رفتارهایی که دقت افکار اجتماع را به‌سوی دیگری منحرف می‌کند، پرهیز نماییم.⁵⁹ جدیدی‌ها تکلیف می‌کردند که در هر شهر، گروه‌های نظامی مسلمان برای حمایت و یاری به جنگاوران تشکیل شود. خود جدیدی‌ها در آن فعالانه کار می‌کردند. در صفحات روزنامه‌های جدیدی مقاله‌ها و اشعار وطن‌پرستانه چاپ می‌شد. امپراتوری عثمانی هم در جنگ شرکت داشت؛ به‌همین دلیل شیخ‌الاسلام، این جنگ را جهاد مقدس نامید که در آن کمک به امپراتوری عثمانی برهمنهٔ مسلمانان جهان واجب بود. او فتوا داد که اتباع مسلمان قدرت‌های درگیر جنگ نباید علیه حکومت مسلمان نبرد کنند. حتی اگر زندگی‌شان در معرض تهدید باشد و اگر چنین کنند، مستحق آتش جهنم

هستند؛ اما بهبودی نظر مخالفی داشت. او این نبرد را یک جنگ دینی نمی‌دانست و می‌گفت هم‌دینی و هم‌نژادی ما با عثمانی‌ها نباید مانع دوستی ما با روسیه شود. ما مسلمانان ترکستانی، اتباع حکومت روسیه هستیم. باید بفهمیم که هر عمل جاهلانه و بی‌ادبانه دوستی پنجاه ساله ما را از بین می‌برد. بهبودی نوشت: ترکیه با مقابله نمودن با روسیه جنایت بزرگی می‌کند.⁶⁰ فرماندار کل ترکستان در فرمانی تهدید کرده بود که اگر در بین اهالی محلی یک نفر طرفدار ترکیه یافت شود، دره چرچیک را با آب دیده کودکان و مادران پر خواهد کرد. بهبودی به این مناسبت به مسلمانان اشاره کرده، نوشته بود: اگر در بین ما این افراد باشند، کشور ما نابود می‌شود. باید بفهمیم که این نبرد، دینی نیست، بلکه سیاسی است. او اظهار امیدواری کرد که ترک‌ها هرگز وارد جنگ نشوند؛ اما وقتی دید که این اتفاق نیفتاد، از خوانندگان خواست تا آرامش را حفظ کرده و تاحد ممکن به زخمی‌ها کمک کنند. او به مردم می‌گوید که به حرف شیوخ صوفی اعتماد نکنند و اگر می‌خواهند اخبار جنگ را بدانند، روزنامه و تلگراف بخوانند. رهبران صوفی در طول جنگ، امید رهایی ورارود از حکومت روسیه را داشتند؛ اما از نظر بهبودی چنین امیدهایی توجیهی نداشت. البته او در این نظر تنها نبود، بلکه بیشتر جدیدی‌های مناطق اشغالی چنین نظری داشتند. در سال 1914م/1332ق خواجه‌اف پیشنهاد کرد که مسلمانان تاشکند باید پنجاهمین سالگرد اشغال منطقه توسط روس‌ها را جشن بگیرند. «حکومت دوست ما روسیه، شهر ما را گرفت؛ اما چه ضرری به ما رساند؟ مسلمانان ترکستان هیچ ضرری از جانب حکومت روسیه ندیده‌اند، برعکس کشور ما شکوفا شد.»⁶¹

جدیدی‌ها از شورش مسلمانان در سال 1916م، خیلی بیمناک بودند. روزنامه جدیدی نوشته بود: «غم دولت روس غم ماست. ما به این غم دولت شریک شده، ایستاده باید چنان رفتار کنیم که این حکومت خوش باشد. حکومت، پدر خلق است. فرزندان او باید در حق او غم‌خواری کنند.»⁶² روزنامه وقت در هجده آوریل 1912م/1330ق نوشته بود: «اعلی حضرت امپراتور، الکساندر دوم، با سیاست و فعالیت عملی خود به‌عنوان پادشاه آزادی‌بخش سزاوار گردیده است. اعلی حضرت الکساندر سوم پادشاه صلح‌پرور بود. دوره پادشاهی پادشاه حاضر روسیه دوره علم و دانش است. اکثریت مکتب‌های حاضر روسیه از طرف پادشاه ما در مدت شانزده سال اخیر تشکیل یافته‌اند. هیچ شبهه نیست که در آینده باز هم وسعت خواهند یافت.»⁶³ عبیدالله خواجه‌اف، سردبیر «صدای ترکستان»، با تنی چند به پتروگراد سفر کرد تا از یک هیئت نمایندگی دومای دولتی دعوت کند از مناطق اشغالی بازدید کرده، شرایط را بررسی

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... _____ الهه کولایی و همکار

کنند. میان او و یکی از نمایندگان، ائتلافی برقرار شد که یکی از محدود نمونه‌های همکاری سیاسی میان اعضای جامعه روسیه و مردم منطقه پیش از انقلاب 1917م/1335ق است.⁶⁴ عیبدالله خواجه‌اف به مناسبت جنگ در «صدای ترکستان» مردم را به کمک فراخواند. عبدالرحمان اکبراف در مقدمه مجموعه اشعاری که از جانب جدیدی‌ها پس از جمع‌آوری نیرو برای جنگ در سال 1916م/1334ق جمع‌آوری شده، شعری به این مضمون سروده است:

چشم ما را گشوده و ما را به راه ترقی هدایت کرده‌ای

شفقت کردی به آق پادشاه، زنده باش

بندگی می‌کنیم به تو ای آق پادشاه، زنده باش

چندی است که آسوده گردیده است اولاد ما

این وطن را خودت آباد کردی برای ملت ما

راضی و منت داریم از تو ای آق پادشاه، زنده باش

بسیار تشکرها به تو ای آق پادشاه، زنده باش

ما را نگذاشتی در زیر پای خود

مهر خود را ماندیم به تو ای آق پادشاه، زنده باش⁶⁵

نتیجه

مشی مبارزاتی جدیدیان این بود که با استفاده از تمدن و پیشرفت و مجهز شدن به دانش و کارشناسی روس‌ها، خود را در موضعی برابر و سپس برتر از آن‌ها قرار دهند و در گام نهایی از استعمار رهایی یابند. به بیان دیگر، آن‌ها می‌خواستند از همان ابزاری که موجب برتری دشمن شد، علیه او استفاده کنند. شاهد این تلاش‌ها روایتی بود که از اقدام‌های نوگرایان مناطق اشغالی در حوزه آموزش، نشریات و دیگر عرصه‌های فرهنگی آوردیم (که البته همسو با دیگر جدیدیان ورارود، اما قوی‌تر از آن‌ها و در شرایطی بسیار متفاوت صورت گرفت). اما آنچه جدیدیان مناطق اشغالی را از همتایان‌شان در قلمرو ورارود متفاوت ساخت، تغییر استراتژی و هدف آن‌ها در روند رویارویی با سلطه حکومت تزاری بود. این واکنش تابعی از

شرایط مکان و زمان بود. گرچه از نظر زمانی همه کنشگران جدیدی در یک دوره مشترک قرار دارند، به دلیل ارتباطات نزدیک‌تر مناطق اشغالی با روسیه، حوادث امپراتوری، انعکاس بیشتری در این سامان داشت. از نظر مکانی هم مردم این سامان در نتیجه تعامل و زیست مشترک با روس‌ها، درک و خودآگاهی متفاوتی نسبت به این قدرت استعماری داشتند. سیطره روسیه بر همه شئون اسلامی، سبب شده بود آن‌ها از حرکت‌های مقاومت و سرکوب دایم خسته شده و در اندیشه راهی مؤثر، تصمیم به تغییر استراتژی بگیرند؛ سپس خواستار قرار گرفتن در جریان اصلی قدرت روسیه شدند؛ به بیان دیگر، آن‌ها از این زمان کوشیدند با ورود به مراکز قدرت مانند دوما، بخشی از حقوق خود را با استفاده از قوانین روسی به دست آورند؛ همچنین به جای مردم مسلمان ورارود، خود را مسلمانان روسیه نامیدند و تلاش کردند این پذیرش از جانب روس‌ها نیز صورت پذیرد. به منظور این دگرگونی، آن‌ها به مقابله با واکنش‌های ضدروس رهبران دیگر پرداخته، آنان را در تقابل با هدف خود می‌دانستند.

نکته دیگری که در تکمیل این تبیین باید بدان اشاره کرد همان است که پهلن، فرستاده اعزامی امپراتور به مناطق اشغالی، ابراز داشت؛ اینکه این قدرت سیاسی اسلام بود که طریق قدیمی زیست اسلامی را در بخارا و خیوه حفظ کرده بود. مسلمانان بخارا امید به روزی داشتند که حکومت، اصلاح شده و آن‌ها با توسل به علوم و معارف جدید، قدرت یافته و دخالت بیگانگان را کاهش دهند؛ اما رهبران مناطق اشغالی، چنین امیدی را خیال خام می‌دانستند و راه‌های دیگر را برگزیدند.

پی‌نوشت‌ها

1. David Mckenzie, «Kaufman of Turkestan, an Assessment of his Administration 1867-1881», Slavic Review, Vol. 26, 2 June 1967, p.267
2. Yuri Bregel, A Historical Atlas of Central Asia, Brill, Leiden, Boston, 2003, p. 64
3. اطلاع ترکستان به این مملکت جدید، حقیقت امر را نشان نمی‌داد. علت این نام‌گذاری از جانب حکومت‌داران و نظامیان روس درک نکردن مردم و تاریخ این دیار بود. جای شبهه نیست که هنگام عملیات نظامی روس‌ها، تاتارها، باشقیرها و دیگر مردم ترک‌زبان منطقه استپ، نقش مهمی داشتند؛ یعنی روس‌ها حل مسائل فرارود را با اشتراک عاملان ترک‌نژاد انجام می‌دادند؛ به همین خاطر، بخش بزرگ سرزمین‌های ورارود سرزمین ترکستان خوانده شد.

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

- Хотамов, Намоз, Таърихи халки тоҷик (аз солҳои 60-уми асри XIX то соли 1924), нашриёт "ЭР-граф", дошанбе, 2000, С.19
4. Richard Pierce, Russian Central Asia 1867-1917 (A Study In Colonial Rule), University of California Press, 1960, p.51
5. اشپولر، برتولد [و دیگران]، آسیای میانه (مجموعه مقالات تاریخی)، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1376، ص 124.
6. محسن مدیر شانه‌چی، در میانه آسیا (مجموعه مقالات و گفتگوها درباره آسیای مرکزی و قفقاز)، تهران، کتاب باز، 1378، صص 10-11/ اشپولر، ص 92.
7. در سال 1910م/1328ق شماره چنین محله‌هایی در کشور ترکستان به صدویست و چهار عدد رسید که در آنها هفتاد هزار نفر زندگی می‌کردند. Хотамов, С. (45)
8. process tracing
9. تاریخ ورود اندیشه‌های اصلاح‌طلبی در میان ورارودیان را می‌توان به پیش از احمد مخدوم دانش، مصلح تاجیک، به تاتاران و از آنجا به هند و نقشبندیان مجددی رساند. علاوه بر این در شکل‌گیری و نضج این جریان بی‌شک رویارویی با روسیه و دنیای جدید جایگاهی مهم داشت.
10. AdeebKhalid, The Politics of Muslim Cultural Reform, Jadidism in Central Asia, University of California Press, 2003, p.207
11. الهه کولایی، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1389، صص. 168-172
12. Khalid, Op. cit., p.102
13. Ibid., p.1
14. دلارامعلیم آوا [و سید اکبر اعظم خجایف]، «تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن 20»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، ش 20، زمستان 1376، ص 131
15. گاسپیرالی که پایه‌گذار اصول جدید آموزشی در تاتارستان بود، از دوستان و اساتید بهبودی به شمار می‌رفت. او در سال 1908م/1326ق پیش از عزیمت به قاهره به مناطق اشغالی آمد و با فعالیت مدارس جدید سمرقند آشنا شد. (همان، ص 132)
16. Khalid, Op.cit., p.80
17. عبدالهادی حائری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، 1374، ص 7.
18. Зариф Рачаёв , Аз таърихи Афкори Чамъияти-сиёсии халки тоҷик дар нимаи дуюми асри XIX ва авли асри XX, нашриёт давлатии Тоҷикистон, сталинобод, 1959, С. 405
19. او می‌گوید بیست میلیون مسلمان در روسیه است که نیمی از آن‌ها تورانی‌ها هستیم. (Khalid, Op. cit., p. 194)

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 7، شماره 3، پاییز و زمستان 1394

20. Devendra Kaushik , **Central Asia in Modern Times, (A History from Early 19th Century)**, edited by N.Khalfin, Moscow, Progress Publisher, 1970, p. 217

21. علیم آوا، پیشین، ص 136

22. Рачаѡов, С. 230

23. Хамон, С. 223-5

24. Хамон, С. 239

25. Хамон, С. 240

26. آینه، ش 25، 29 جمادی الاولی 1332

27. Рачаѡов, С. 240

28. Хамон, С. 242

29. Хогамов, С. 121

30. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، چاپ سوم،

تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1392

31. Khalid, Op. cit., p. 218

32. علیم آوا، پیشین، ص 132

33. اشپولر، پیشین، ص 129

34. علیم آوا، پیشین، ص 137

35. Pahlen, Count K.K., *Mission to Turkestan*, Edited by Richard Pierce, Translated by N. J. Couriss, London, 2003, p. 61

36. **Ibid**, p. 62

37. علیم آوا، پیشین، ص 130

38. در مکتب و خانه عبدالقادر روزنامه و مجله‌های چاپ مصر، کلکته، استانبول، تهران، باکو، تفلیس، قازان،

باغچه‌سرای، و مانند آن موجود بود (قهار رسولیان، «نخستین مکتب اصول جدید تاجیکی»، رودکی،

ش 15، سال هشتم، تابستان 1386، صص 9-27)

39. Хатамов, С. 127

40. صدای شرق، به نقل از: ودود محمودی و عبدالقادر شکوری، ش 8، 1990، صص 9-10.

41. Pierce, **Op.cit.**, p. 254

42. Khalid, Op. cit., p. 88

43. **Ibid.**, p. 146

44. Pierce, **Op. cit.**, p. 259

45. ادیب خالد «چاپخانه‌داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری»، ترجمه محسن جعفری مذهب،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 25، صص 6-2

46. کاظم معتمدنژاد، مطبوعات در آسیای مرکزی (تحولات روزنامه‌نگاری در دوره تجددخواهی،

اشتراک‌گرایی و استقلال‌جویی)، تهران، نشر علم، 1390، ص 40

47. Pierce, **Op.cit.**, p. 259

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

48. بیان زمان دقیق برای این تحول بسیار دشوار است؛ زیرا نظر آشکار این گروه در هنگام شروع جنگ جهانی آغاز شد. ظریف رجب نیز نوشت از حکومت تزاری طرفداری کردن و از خلق ترسیدن جدیدی‌ها در دوره جنگ جهانی و در زمان شورش 1916م/1334ق معلوم شد. آن‌ها از اول جنگ به سود روسیه تشویق می‌کردند، اما قرآینی در نظر آن‌ها در نشریات وجود دارد که این تحول را حتی به سال‌های پیش از 1910م/1328ق می‌رساند.

49. خواجه‌اف تحصیلات روسی و غیردینی داشت. تأثیر افرادی چون او بر جدیدی‌ها و تغییر استراتژی آن‌ها قابل تأمل است. بی‌تردید این رویکرد ریشه‌هایی در خارج از ورارود داشت. در سال 1913م/1331ق روسیه، سیصدمین سالگرد سلسله رومانوف را جشن گرفت. مسلمانان نیز در مساجد سراسر امپراتوری در بیست‌ویک فوریه 1913م/1331ق این روز را گرامی داشتند. در سن‌پترزبورگ امیر بخارا و خان خیوه به اعضای مسلمان دوما پیوستند. نماینده مفتی اورنبورگ و مسلمانان محلی برای دعا به اعضای مسلمان دوما پیوستند. پس از قرائت قرآن نماینده مفتی، کاترین کبیر و همه رومانوف‌ها را که اجازه تأسیس مساجد در امپراتوری را دادند، ستایش کرد. پس از آن محمد ظریف یوسف به سلطنت و عشق به سرزمین مادری اعلام وفاداری کرد و گفت خدا و پیامبر بدان امر فرموده‌اند: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول آغاز جنگ جهانی اول این احساسات را به نمایش درآورد. در پی انتشار فتوای نهاد دینی عثمانی که مسلمانان را به جهاد علیه روسیه، انگلیس و فرانسه فراخواند، مفتی اورنبورگ نیز مسلمانان قلمرو خود را مخاطب قرار داد و گفت روسیه وطن ماست. قلب مسلمانان است. بیش از یک میلیون مسلمان به ندای او پاسخ دادند و خود را فرزندان حقیقی وطن نامیدند.

Robert D. Crews, *For Prophet and Tsar, Islam and Empire in Russia and Central Asia*, United States of America, Harvard University Press, 2009, p.350-1

50. Khalid, *Op. cit.*, p.218-9

51. مارکباتونسکی، مطالعات اسلامی کلیسای ارتدوکس روسیه، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، ش 11، پاییز 1374، ص 76.

52. Рачаёв, С. 412

به نقل از روزنامه خورشید، 21 اکتبر 1906

53. Хамон

54. عبدالخالق نبوی، «محمود خواجه بهبودی و نقد ادبی در نهضت جدیدیه»، رودکی، سال هشتم، ش 16، پاییز 1386، صص 4-133

55. Хамон, С. 402

56. Хамон, С. 403

57. آینه، ش 2، 16 ذی الحجه 1331

- 59. Рачаѡов, С. 412
- 60. Рачаѡов, С. 314
- 61. Khalid, **Op. cit.**, p. 236-7
- 62. Рачаѡов, С. 314

به نقل از صدای ترکستان، 2 سپتامبر 1914

- 63. Хамон
- 64. Khalid, **Op.cit.**, p.241
- 65. Рачаов, Хамон

منابع

- اشپولر، برتولد [و دیگران]، آسیای میانه (مجموعه مقالات تاریخی)، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1376
- حائری، عبدالهادی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، 1374
- معتمدنژاد، کاظم، مطبوعات در آسیای مرکزی (تحولات روزنامه‌نگاری در دوره تجددخواهی، اشتراک‌گرایی و استقلال‌جویی)، تهران، نشر علم، 1390
- مدیر شانه‌چی، محسن، در میانه آسیا (مجموعه مقالات و گفت‌وگوها درباره آسیای مرکزی و قفقاز)، تهران، کتاب باز، 1378
- Bregel, Yuri, **An Historical Atlas Of Central Asia**, Brill, Leiden, Boston, 2003
- Crews, Robert D. , **For Prophet and Tsar, Islam and Empire in Russia and Central Asia**, United States of America, Harvard University Press, 2009
- Kaushik, Devendra, **Central Asia In Modern Times**, (A history from early 19th Century) , edited by N. Khalfin, Moscow, Progress Publisher, 1970
- Khalid, Adeeb, **The Politics of Muslim Cultural Reform, Jadidism in Central Asia**, University of California Press, 2003
- Morrison, A. S. , **Russian Rule in Samarkand 1868-1910 (A comparison with British India**, Oxford University Press, 2008
- Pierce, Richard, **Russian Central Asia 1867-1917 (A Study In Colonial Rule)** , University of California Press, 1960

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

- Pahlen, Count K. K. , **Mission to Turkestan**, Edited by Richard Pierce, Translated by N. J. Couriss, London. Boston, 2003
- Хотамов, Намоз, **Таърихи халки тоҷик (аз солҳои 60-уми асри XIX то соли 1924)** , нашриёт "ЭР-граф", дошанбе, 2000
- Рачъов, Зариф, **Аз таърихи Афкори Чамъияти-сиёсии халки тоҷик дар нимаи дуюми асри XIX ва аввали асри XX**, нашриёт давлатии Тоҷикистон, Сталинобод, 1959
- باتونسکی، مارک، «مطالعات اسلامی کلیسای ارتدوکس روسیه»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، ش 11، پاییز 1374
- رسولیان، قهار، «نخستین مکتب اصول جدید تاجیکی»، رودکی، سال هشتم، ش 15، تابستان 1386
- رهنما، عبدالله، جدیدیه، رودکی، سال هشتم، ش 15، تابستان 1386
- خالد، ادیب، «چاپخانه داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری»، ترجمه محسن جعفری مذهب، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، ش 25، بهار 1378
- صدای شرق، به نقل از ودود محمودی و عبدالقادر شکوری، ش 8، 1990
- عبداللهزاده، شیرزاد، «روشنفکری و تلاش برای اصلاح شعور دینی در آسیای میانه»، رودکی، سال نهم، ش 19، تابستان 1387
- علیم آوا، دلارام، [و سیداکبر اعظم خجایف]، «تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن 20»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، ش 20، زمستان 1376
- نبوی، عبدالخالق، «محمود خواجه بهبودی و نقد ادبی در نهضت جدیدیه»، رودکی، سال هشتم، ش 16، پاییز 1386
- آینه، ش 2، شانزدهم ذی الحجه 1331
- آینه، ش 9، ششم صفر 1331
- آینه، ش 25، بیست و نه جمادی الاولی 1332
- David Mckenzie, «Kaufman of Turkestan, An Assessment of his Administration 1867-1881», **Slavic Review**, Vol. 26, 2 June. 1967